

## اثربخشی برنامه آموزش مروج سلامت بر پیشگیری اولیه از اعتیاد در دانش آموزان مقطع متوسطه

**Nafiseh Ahmadi**

*M.A. in Public Psychology, Allameh Tabatabaeei, Tehran,  
Iran Email: ahmadi\_na91@yahoo.com*

**Siyavash Talepasand**

*Faculty member, University of Semnan, Semnan, Iran*

**Ali Mohammad Rezaei**

*Faculty member, University of Semnan, Semnan, Iran*

**Parvaneh Sar Keshikzadeh**

*M.A. in Public Psychology*

**Ahmad Ghodsi**

*P.D. student, University of Semnan, Semnan, Iran*

### Abstract

The purpose of this study was to determine the effectiveness of health promoting schools' educational programs in the primary prevention of addiction in high school students in the - academic year in Qom. In this quasi-experimental study students ( males and females) were selected randomly (cluster sampling) among all high school students of Qom province. They were then divided randomly into experimental and control groups. To investigate the effectiveness of health promoting schools' educational programs in the two groups of experimental and control, two separate questionnaires were prepared. The first questionnaire was APS (addiction potential scale) and the second one was to measure attitudes towards drugs. In order to analyze the data SPSS statistical software was used and indices like mean, standard deviation, correlation and covariance analysis (Anova) were used. The results showed that health promoting educational programs were effective in decreasing students' tendency to drug abuse, active tendency and passive tendency. Further studies of the effectiveness of educational programs on males and females showed that health promoting educational programs were effective in decreasing female students' active and passive tendency to drug abuse. They were not effective on male students. The programs also created a negative attitude towards drug use in students. Further studies showed that the programs were effective in creating a negative attitude towards drug use mostly in female students rather than that of male Students.

**Keywords:** health promoters, primary prevention, substance abuse, changing attitudes

**نفسه احمدی**

*کارشناس ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبایی*

ahmadi\_na @yahoo.com

**سیاوش طالع پسند**

*عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان*

**علی محمد رضایی**

*عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان*

**پروانه سرکشیک زاده**

*کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی*

**احمد قدسی**

*دانشجوی دکتری دانشگاه سمنان*

### چکیده:

مقدمه: این پژوهش با هدف تعیین میزان اثربخشی برنامه آموزش مدارس مروج سلامت در پیشگیری اولیه از اعتیاد در دانش آموزان مقطع متوسطه استان قم در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ به اجرا درآمد. روش: این پژوهش از نوع شبه تجربی است که ۴۰۰ دانش آموز (۲۰۰ نفر پسر و ۲۰۰ نفر دختر) به صورت تصادفی خوشه ای از کل دانش آموزان مقطع متوسطه استان قم، انتخاب شدند. و با اختصاص به دو گروه آموزش و کنترل گمارده شدند. برای بررسی اثر بخشی برنامه آموزش مدارس مروج سلامت در گروه های آزمایش و کنترل از دو پرسشنامه استفاده شد. اولین پرسش نامه، APS (سنجش آمادگی به اعتیاد) و دومین پرسش نامه نیز مقیاس نگرش نسبت به مواد مخدر بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از برنامه آماري SPSS ۱۵ و از شاخص ها و روش های آماری میانگین، انحراف استاندارد، و تحلیل کوواریانس استفاده شد. یافته ها: نتایج نشان داد آموزش برنامه مروج سلامت در کاهش گرایش به سوء مصرف مواد، گرایش فعال و گرایش منفعل دانش آموزان موثر بوده است. در بررسی جداگانه اثر بخشی آموزش ها بر گروه های دختر و پسر، نتایج نشان داد آموزش برنامه مروج سلامت در کاهش گرایش به سوء مصرف مواد و گرایش فعال و گرایش منفعل در دانش آموزان دختر موثر بوده است، در حالی که در دانش آموزان پسر موثر نبوده است. همچنین آموزش مروج سلامت در ایجاد نگرش منفی دانش آموزان نسبت به مصرف مواد موثر است. در بررسی جداگانه در گروه های دختر و پسر، آموزش برنامه مروج سلامت در ایجاد نگرش منفی دانش آموزان دختر نسبت به مصرف مواد موثر بوده است در حالی که در دانش آموزان پسر موثر نبوده است. نتیجه گیری: نتایج به دست آمده از این پژوهش اثربخشی برنامه مروج سلامت در پیشگیری اولیه از اعتیاد در دانش آموزان مقطع متوسطه استان قم را به اثبات می رساند.

**واژه های کلیدی:** مروج سلامت، پیشگیری اولیه، سوء مصرف مواد، تغییر نگرش

## مقدمه

نوجوانی یکی از دوره‌های حساس رشد انسان است و باید مورد توجه خاص قرار گیرد. در این دوره بسیاری از مهارت‌ها و ویژگی‌هایی که فرد در بزرگسالی به آن‌ها نیاز دارد، شکل می‌گیرد. در صورت بی‌توجهی به این نکته ممکن است نوجوانان مهارت‌ها و آگاهی‌های اشتباه و مضر را بیاموزد و رفتارهای خاصی را آغاز کند که نه تنها برای خود، که برای اطرافیان و جامعه خطرناک است. متأسفانه رشد صنعت و گسترش شهرنشینی علی‌رغم فراهم آوردن رفاه برای انسان‌ها، مشکلات فراوانی نیز با خود به ارمغان آورده است. مصرف مواد توسط نوجوانان از نگرانی‌های عمده مربوط به نوجوانان امروز است. در برخی کشورها تا ۲۵ درصد نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ ساله از نوعی داروی غیرمجاز استفاده کرده‌اند و تقریباً یک سوم تا ۱۷ سالگی سیگار کشیده‌اند. در کشور ما نیز سن شروع سوءمصرف در اکثر مطالعات در جوانی و نوجوانی بوده است (رفیعی مهر و احمدزاده اصل، ۱۳۸۴). دوره نوجوانی دوره بحران رشد و نمو است که از نظر جسمی و روانی تحولات بسیار عمیقی در فرد ایجاد می‌کند و باعث می‌شود نظم جسمانی و روانی نوجوانان به هم بخورد. نوجوانان در این دوره از لحاظ عاطفی نارس، از نظر تجربه محدود و از نظر اجتماعی بسیار شکننده و تاثیر پذیر هستند (خلیلی، سهرابی، رادمنش و افخمی اردکانی، ۱۳۹۰).

سوء مصرف مواد مخدر یکی از مشکلات بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی مهم در بسیاری از کشورهاست (جهرمی، مکرری و اختیاری، ۲۰۰۹). با توجه به ارتباط مستقیمی که این پدیده شوم با بیماری‌های عفونی مانند ایدز و هیپاتیت دارد، بیش از پیش توجه مسئولین ذیربط را در جوامع مختلف، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه به خودمغوف داشته است. تاکنون پژوهش‌های متعددی در جامعه در زمینه هدف سوء مصرف مواد، علل و راه‌های مقابله با سوء مصرف و درمان آن صورت گرفته و دولت‌های مختلف با توجه به امکانات و ضرورتی که در کشور خود احساس کرده‌اند تمهیدات خاصی برای مبارزه و پیشگیری از سوء مصرف مواد اندیشیده و پیاده کرده‌اند. در کشور ما ایران نیز با توجه به آمار روز افزون سوء مصرف مواد، تاکنون برنامه‌های مختلفی اجرا شده و سازمان‌های مختلفی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم با برنامه ریزی در زمینه سوء مصرف مواد درگیر بوده‌اند.

جهان در سه دهه اخیر با آمارهای تکان دهنده در خصوص شیوع سوء مصرف مواد در سطح جامعه و به ویژه در بین جوانان و نوجوانان مواجه شده است (دایمی، سهرابی و مقیمی بارفروش، ۲۰۰۹). تحقیقات نشان داده‌اند که طی دهه‌های اخیر میزان مصرف مواد به ویژه بین نوجوانان در جوامع مختلف افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است (میچار، چسدانگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۷). نکته قابل توجه در پژوهش‌های همه گیر شناسی، سن پائین شروع مصرف و سوء مصرف مواد در کشور است (سهرابی، ترقی جاه، اکبری زردخانه و وقار، ۱۳۸۸). برآمدهای گزارش شده از تعداد معتادین و سوء مصرف کنندگان مواد مخدر در ایران، حاکی از حدود دو میلیون نفر معتاد است (رزاقی، موقر، گرین و خوشکلام، ۲۰۰۶).

با توجه به پژوهشی که سهرابی و همکاران (۱۳۸۸) با هدف کلی کاهش انگیزه جوانان دانشجو در گرایش به مصرف مواد، متغیر نگرش آنان برای ایجاد رفتارهای سالم و کارآمد در پیشگیری از سوء مصرف مواد، انجام شد نشان داد که برنامه‌های آموزشی ساخت رفتارهای سالم موجب تغییر و نگرش منفی نسبت به سوء مصرف مواد می‌شود. تغییر نگرش منفی در سه حیطه شناختی عاطفی و آمادگی برای عمل معنادار بوده است. نتایج نشان داد که آموزش ساخت رفتارهای سالم بیشترین تاثیر را در حیطه نگرش شناختی داشته است.

کلک زرین (۱۳۸۹) پژوهشی را با هدف تعیین اثربخشی برنامه‌های مولفه‌های تاب آوری در تقویت نگرش منفی نسبت به مصرف مواد مخدر و کاهش سطح اعتیاد پذیری در دانش‌آموزان مقطع دبیرستان به اجرا درآورد. نتایج پژوهش نشان داد که برنامه آموزش مولفه‌های تاب آوری در هر دو متغیر (نگرش نسبت به مصرف مواد و سطح اعتیاد پذیری) موثر واقع شده است. به گونه‌ای که این

برنامه سبب تقویت نگرش منفی دانش آموزان نسبت به مواد مخدر شد. همچنین برنامه‌های آموزشی مولفه‌های تاب آوری در کاهش سطح اعتیاد پذیری نیز موثر واقع شد. این برنامه با مولفه‌های تاب آوری بود اما سوال این پژوهش در حیطه اثربخشی مهارت‌های زندگی در کاهش سطح اعتیاد پذیری دانش آموزی و تقویت نگرش منفی نسبت به مواد است که احتمالاً پاسخ دیگری در کار باشد. نتایج مطالعات بیانگر آن است که قصد افراد برای سوء مصرف مواد مخدر، دست کم در دفعات اولیه مصرف تحت تاثیر نگرش آنان به سوء مصرف مواد قرار دارد (آقابابایی، جلالی، سعیدزاده و باقری، ۱۳۹۱). مطالعات انجام شده درباره برنامه‌های پیشگیری از مصرف مواد در ایالات متحده، حاکی از تاثیر این برنامه‌ها در کاهش تقاضا است (اینترس، فاوکر، فانهورست، بوتزت و آگوست، ۲۰۰۷). نتایج یک بررسی در دانشگاه فردریخ آلمان نشان داده است که آموزش مهارت‌های زندگی نه تنها در افراد غیر سیگاری و غیر الکلی نقش پیشگیرانه دارد، بلکه در افراد معتاد به سیگار و الکل نیز تاثیر بسزایی داشته است (بوهرلر، ۲۰۰۷، به نقل از مشکی و اصلی نژاد، ۱۳۹۲).

با توجه به یافته‌ها مشخص است که سن شروع مصرف بسیار پایین تر از دهه‌های قبل است و گویا بحران در دوران نوجوانی است. این بحران از سه منبع می‌تواند نتیجه گیرد: ۱. خانواده ۲. مدرسه ۳. تعامل بین این دو (جامعه). مدرسه به عنوان یک مکان که تقریباً تمام کودکان و اکثر نوجوانان بخش مهمی از ساعات زندگی خود را در آن سپری می‌کنند، در آن با شیوه‌های یادگیری آشنا می‌شوند فرا می‌گیرند و در اولین تعاملات اجتماعی خارج از منزل به کسب دیدگاه و نگرش می‌پردازند، از مهمترین فرصت‌های پیش روی جامعه برای آموختن رفتارهای سالم و در نتیجه پایه ریزی شیوه‌های زندگی سالم می‌باشد. بدین ترتیب نهاد مدرسه به عنوان محلی که در آن می‌توان به جامعه، مدرسه شامل دانش آموزان، کارکنان، والدین و افراد جامعه پیرامون مدرسه دسترسی پیدا نمود به موضعی برای ترویج سلامت تبدیل گردد.

دلایل بسیاری علت گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر می‌باشد. در این بیان برخی سعی در پذیرش گروه‌های خاص دارند و برخی به دلیل کمبود امکانات برای پاسخ دادن به نیازهای هیجانی به مصرف مواد مخدر گرایش پیدا می‌کنند. علت عمده گرایش نوجوانان و جوانان به مصرف مواد مخدر اعتیاد آور تغییرهای روانشناختی و هیجانی می‌باشد. افرادی که در کنترل مهارت‌های هیجانی خود ناتوانند به احتمال زیاد به مصرف مواد اعتیاد آور روی می‌آورند (قنبری طلب، قنبری، طهماسبی کهیانی و نادری لردجانی، ۱۳۹۲). در برنامه‌های مربوط به پیشگیری از اعتیاد در مدارس، فعالیت‌های آموزشی جایگاه خاص دارند، به گونه ای که دانش آموزان توسط چنین برنامه‌هایی در مقابل موقعیت‌هایی که مصرف مواد مخدر را تسهیل می‌کنند، ایمن می‌شوند. اهداف برنامه‌های آموزشی، شکستن ارزش استفاده از مواد مخدر و آشناسازی افراد با مشکلاتی است که در ابعاد اجتماعی و خانوادگی گریبانگیر آن‌ها می‌شود (پاشاشریفی و رضایی، ۲۰۰۹ به نقل از بحرینی بروجنی، قائد امینی هارونی، سعیدزاده و سپهری بروجنی، ۱۳۹۳).

پیشگیری اولیه می‌تواند با توجه به جامعه هدف صورت گیرد. جامعه هدف این پژوهش متمرکز بر نوجوانان و ارتباط آنها با مدرسه است. یکی از نمادهای فعالیت جهانی پیشگیری از خطرات دوران نوجوانی مدارس مروج سلامت است. HPS به منزله یک نظام برای ارتقا سلامت است که باعث حرکت فعالانه اولیا و مربیان و دانش آموزان و با رویکرد توانمند سازی دانش آموزان در زمینه مراقبت از خود فرهنگ مراقبتی ۳ و آموزش همسان‌ها و همسالان منجر به افزایش ظرفیت‌ها و توانمندسازی مردم در مورد سالم زندگی کردن، سالم کار کردن و آموزش با کیفیت خواهد شد. HPS در ایران با نام مدارس مروج سلامت شکل گرفته است. مدرسه مروج سلامت چهار حوزه اصلی را برای تنظیم و اجرای فعالیت‌های خود هدف قرار می‌دهد:

۱. حوزه دانش و درک: با این هدف که دانش‌آموزان مفاهیم سلامت را بدانند و درک کنند که این امر خود پایه‌ای برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه به منظور در پیش گرفتن شیوه‌های سالم زندگی خواهد بود.
۲. نگرش‌ها و ارزش‌ها: با این هدف که دانش‌آموزان نگرش‌ها و ارزش‌ها را کسب کنند که سلامت فردی و خانوادگی و اجتماعی را ارتقا دهد.
۳. مهارت‌های مدیریت خود: با این هدف که دانش‌آموزان قادر به استفاده از مهارت‌های مدیریت خود باشند که به آنها کمک می‌کنند شیوه‌های سالم و فعال زندگی را آگاهانه پیش گیرند.
۴. مهارت‌های بین فردی: با این هدف که دانش‌آموزان مهارت‌های بین فردی لازم برای برقراری ارتباط موثر و در پیش گرفتن شیوه‌های زندگی فعال و سالم را از خود نشان دهند.
- روان‌شناسان به چند دلیل پیشگیری را برتر از درمان می‌دانند. نخست آنکه، اغلب بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان اثر بخشی روش‌های درمانی اعتیاد چندان امیدوار کننده نیست و اغلب با عودهای مکرر همراه است (مک کلان، مک کی، فورمن، کاسیوب و کمپ، ۲۰۰۵).
- آنچه مسلم است اینکه آموزش مهارت‌های زندگی به عنوان سازه اساسی در برنامه آموزش مدرسه مروج سلامت در سنین نوجوانی و تعیین اثربخشی آن، ضرورت پژوهش فعلی را مشخص می‌کند تا برنامه‌های پیشگیری اولیه را بر آن مبتنی کرد.
- برنامه آموزش مهارت‌های زندگی در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر، یک رویکرد تازه برای پیشگیری است که در وهله اول بر عوامل روانی-اجتماعی سوق دهنده فرد به شروع سوء مصرف مواد تمرکز دارد و تاکید عمده این برنامه بر رشد مهارت‌های شخصی-اجتماعی است (پورچناری و گلزاری، ۲۰۰۹). مهارت‌های زندگی عبارت‌اند از «مجموعه‌ای از توانایی‌ها که در زمینه مقابله با فشارهای روانی و ارائه رفتارهای مثبت و مفید را فراهم می‌آورند». این توانایی‌ها، فرد را قادر می‌سازند تا مسئولیت‌های نقش اجتماعی خود را بپذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران، با خواست‌ها، انتظارات و مشکلات روزانه به ویژه در روابط بین فردی به شکل موثری رو به رو شود (اصلی نژاد، عالمی و تجدد، ۲۰۰۸).
- در آموزش و پرورش استان قم، با توجه به حجم دانش‌آموزان مدارس، یکی از برنامه‌هایی که جهت ارتقاء سلامت روان دانش‌آموزان از سالها قبل در جریان بوده و پیوسته اجرا گردیده است، برنامه مدرسه مروج سلامت بوده است. این آموزش‌ها از سال ۱۳۷۵ و در حد محدود برگزار می‌شده است.
- از آنجه که برنامه ریزی دقیق تر و اصلاح برنامه مستلزم ارزیابی دقیق و کارشناسی برنامه بوده و نیازمند بازبینی سالیانه با توجه به افزایش دانش‌آموزان و تغییر ساختار جامعه می‌باشد، ارزیابی برنامه‌های در دست اجرا در دستگاه‌های آموزشی در زمینه کاهش گرایش به اعتیاد و ارتقاء سلامت روان نیز ضروری به نظر می‌رسد.
- از طرفی، با توجه به اینکه دانش‌آموزان در شرایط سنی، هیجانی و شناختی خاصی قرار داشته، ممکن است شرایط گرایش به سوء مصرف را در آنان افزایش دهند و همچنین، اتخاذ استراتژی‌های موثر در پیشگیری از گرایش به اعتیاد و یا کاهش آن در سرمایه‌های انسانی کشور بسیار مناسب به نظر می‌رسد.
- فرضیه اصلی** در این پژوهش بررسی میزان اثربخشی برنامه آموزش مدرسه مروج سلامت بر پیشگیری اولیه از اعتیاد در دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان قم در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ می‌باشد.

**فرضیه اول:** آموزش برنامه مروج سلامت بر کاهش گرایش به سوء مصرف مواد در دانش آموزان مقطع دبیرستان استان قم موثر است.

**فرضیه دوم:** آموزش برنامه مروج سلامت بر کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد در دانش آموزان مقطع دبیرستان استان قم موثر است

**فرضیه سوم:** آموزش مروج سلامت بر کاهش گرایش فعال به سوء مصرف مواد در دانش آموزان مقطع دبیرستان استان قم موثر است.

**فرضیه چهارم:** آموزش مروج سلامت در ایجاد نگرش منفی دانش آموزان نسبت به مصرف مواد موثر است.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

روش تحقیق در این پژوهش روش شبه تجربی است. در این پژوهش، از طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه گواه استفاده شد. بدین صورت که پس از انتخاب نمونه و انتخاب تصادفی آنها به گروه‌های آزمایشی و گواه، از هر دو گروه در یک زمان پیش آزمون سنجش آمادگی اعتیاد (APS) و نگرش سنج نسبت به مصرف مواد مخدر به عمل آمد. پس از آن برنامه آموزش مدرسه مروج سلامت به مدت ۱۰ جلسه برای گروه آزمایش به اجرا در آمد و پس از پایان این مدت به منظور مقایسه اثر این مداخله از هر دو گروه پس آزمون گرفته شد و نتایج پیش آزمون و پس آزمون در هر گروه با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفت.

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش کلیه دانش آموزانی بودند که در مقطع متوسطه در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ در استان قم مشغول به تحصیل بودند، که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای ۴۰۰ نفر از دانش آموزان به عنوان نمونه انتخاب شدند. که اطلاعات پرسش نامه ۳۵۸ دانش آموز مورد استفاده قرار گرفت، و بقیه پرسش نامه‌ها قابل استفاده نبودند. نمونه‌ها در دو گروه جنسیتی دختر و پسر تفکیک و از نواحی ۴ گانه آموزش و پرورش استان قم از مدارسی که مجری برنامه مدارس مروج سلامت بودند جمع آوری گردیدند. از هر ناحیه یک دبیرستان پسرانه و یک دبیرستان دخترانه به صورت تصادفی از مدارس مجری این طرح انتخاب شدند، سپس از هر دبیرستان دو کلاس به عنوان گروه آزمایش و گروه کنترل انتخاب شد.

## ابزار

۱. پرسشنامه سنجش آمادگی اعتیاد (APS)<sup>۴</sup>

نسخه اولیه این آزمون توسط بوچر<sup>۵</sup> در سال ۱۹۹۲ بر اساس سوالات آزمون MMPI ساخته و بر روی بزرگسالان جامعه آمریکا نرم شده است. فرم ترجمه شده آن در سال ۱۳۷۹ توسط کرد میرزا در جامعه دانشجویان دانشگاه‌های تهران نرم گردیده است. این مقیاس شامل ۳۹ سوال می‌باشد که به صورت بله و خیر پاسخ داده می‌شود. ضریب پایایی این آزمون در ارزیابی زرگر، نجاریان و نعامی (۱۳۸۵) با روش آلفای کرونباخ ۰/۹ درصد به دست آمد. همچنین در برآورد روایی سازه این مقیاس با مقیاس فهرست علائم بالینی (SCL-۲۵) ضریب همبستگی ۰/۴۵ به دست آمد که در سطح خطای ۰/۰۱ معنی دار بود.

۲. نگرش سنج محقق ساخته برای سنجش نگرش دانش آموزان نسبت به مصرف مواد مخدر:

این پرسشنامه دارای ۳۴ ماده (گویه) است، پاسخگویان نظرات خود را درباره هر ماده در قالب سه گزینه بیان می‌کنند. یکی از گزینه‌ها (۰) یعنی نگرش منفی و دیگری (۱) که نشانگر نگرش متوسط و دیگری (۲) کدگذاری می‌شود که نشانگر نگرش مثبت نسبت به سوء مصرف مواد مخدر است. ضریب پایایی کل پرسشنامه نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد با استفاده از بازآزمایی به فاصله یک هفته برابر ۰/۸۰ و با روش ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۸۰۳ بدست آمده است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی پرسشنامه نگرش سنج نشان می‌دهد که پرسشنامه از ۴ مقیاس نگرش کلی، باورها (شناختی)، هیجانها (عاطفی) و آمادگی برای عمل (رفتاری) تشکیل شده است (رحمتی، ۱۳۸۳).

### روند اجرای پژوهش

این پژوهش در چند مرحله به شرح زیر اجرا شده است:

- ۱- در اولین مرحله این پژوهش، کلاس به عنوان گروه کنترل و ۸ کلاس به عنوان گروه آزمایش از نواحی چهار گانه آموزش و پرورش استان قم انتخاب شدند.
- ۱- دومین مرحله بعد از مشخص کردن نمونه پژوهش، بر اساس سوالات و اهداف پژوهش، تست APS و نگرش سنج اعتیاد بر روی ۱۶ کلاس اجرا شد و آمادگی گرایش دانش آموزان و نگرش آنها به سوء مصرف مواد مخدر مورد بررسی قرار گرفت.
- ۳- در مرحله سوم برای دانش آموزان گروه آزمایش برنامه مروج سلامت در ۱۰ جلسه ۲ ساعته آموزش داده شد.
- ۴- به منظور ارزیابی تاثیر آموزش برنامه مروج سلامت در پایان دوره آموزشی مجدداً از گروه آزمایش و گروه کنترل تست APS و نگرش سنج اعتیاد گرفته شد.

### یافته‌ها

برای بررسی فرضیه اول «آموزش برنامه مروج سلامت بر کاهش گرایش به سوء مصرف مواد در دانش آموزان مقطع دبیرستان استان قم موثر است.» از تحلیل کواریانس استفاده شد.

نتایج حاصل از اجرای کواریانس در جدول ۱ آورده شده است و همانطور که مشهود است تحلیل کواریانس در مقیاس کاهش گرایش کلی به سوء مصرف مواد در دانش آموزان دبیرستان برابر است با  $(F = . , P = . )$  لذا می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش برنامه مروج سلامت بر کاهش گرایش به سوء مصرف مواد در دانش آموزان مقطع دبیرستان استان قم موثر بوده است. تحلیل کواریانس در مقیاس کاهش گرایش به سوء مصرف مواد در دانش آموزان دبیرستان برابر است با  $(F = . , P = . )$  و چون سطح معناداری بیشتر از ۰.۰۵ است لذا می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش برنامه مروج سلامت بر کاهش گرایش به سوء مصرف مواد در دانش آموزان دبیرستان برابر است.

تحلیل کواریانس در مقیاس کاهش گرایش به سوء مصرف مواد به سوء مصرف مواد در دانش آموزان دبیرستان برابر است با  $(F = . , P = . )$  و چون سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ است لذا می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش برنامه مروج سلامت بر کاهش گرایش به سوء مصرف مواد در دانش آموزان مقطع دبیرستان استان قم موثر بوده است.

جدول ۱: داده‌های حاصل از اجرای تحلیل کواریانس در متغیر کاهش گرایش به سوء مصرف مواد

معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	تحلیل کواریانس
۰.۰۰۰۵	۴۶۴.۳۷	۲۷۵۷۷.۸۸	۱	۲۷۵۷۷.۸۸	پیش آزمون
۰.۰۰۳	۸.۸۳	۵۲۴.۸۷	۱	۵۲۴.۸۷	بین گروهی
					درون گروهی
					کل
۰.۰۰۰۵	۴۵.۳۶	۴۰.۷۷	۱	۴۰.۷۷	پیش آزمون
					بین گروهی
					درون گروهی
۰.۶۱۱	۰.۲۵۹	۱۵۷.۴۲۴	۱۷۲	۲۷۰.۷۶.۹۵	درون گروهی
					کل
					پیش آزمون
۰.۰۲۵	۵.۰۸	۳۷۸.۷۳	۱	۳۷۸.۷۳	پیش آزمون
					بین گروهی
					درون گروهی
۰.۰۴۵	۶.۲۱۴	۷۴.۵۱	۱۷۹	۱۳۳۷.۵۹	درون گروهی
					کل
					پیش آزمون

جدول ۲ میانگین‌های تعدیل شده را نشان می‌دهد. عبارتی میانگین‌های تعدیل شده میانگین‌های بدون وجود عوامل ناشی از وجود خطای تصادفی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: مقایسه میانگین و خطای استاندارد نمرات گروه آزمایش و کنترل در متغیر کاهش گرایش به سوء مصرف مواد در دانش آموزان

خطای استاندارد	میانگین	گروه
۰.۷۴۷	۷۳.۶۹	آزمایش
۰.۸۳۹	۷۱.۶۵	کنترل
۰.۹۲۵	۷۴.۰۷	آزمایش
۱.۶۹	۷۰.۱۴	کنترل
۱.۲۲	۷۲.۴۰	آزمایش
۱.۱۹	۶۸.۸۸	کنترل

برای بررسی فرضیه دوم «آموزش برنامه مروج سلامت بر کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد در دانش آموزان مقطع دبیرستان استان قم موثر است»

نتایج حاصل از اجرای کواریانس در جدول ۳ آورده شده است و همانطور که مشهود است تحلیل کواریانس در مقیاس کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد در دانش آموزان دبیرستان برابر است با  $(F = . , P = .)$  و چون سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ است لذا می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش مروج سلامت بر کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد در دانش آموزان مقطع دبیرستان استان قم موثر بوده است.

تحلیل کواریانس در مقیاس کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد در دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان برابر است با  $(F = . , P = .)$  و چون سطح معناداری بیشتر از ۰.۰۵ است لذا می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش مروج سلامت بر کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد در دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان استان قم موثر نبوده است.

تحلیل کواریانس در مقیاس کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد در دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان برابر است با  $(F = . , P = .)$  و چون سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ است لذا می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش مروج سلامت بر کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد در دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان استان قم موثر بوده است.

جدول ۳: داده‌های حاصل از اجرای تحلیل کواریانس در متغیر کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد

معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	تحلیل کواریانس
۰.۰۰۰۵	۲۱.۵۴	۱۰۱۳.۷۱	۱	۱۰۱۳.۷۱	پیش‌آزمون
۰.۰۰۰۵	۲۲.۶۰	۱۰۶۳.۵۶	۱	۱۲۸۹۱.۳۳	کل دانش‌آموزان
					بین‌گروهی
					درون‌گروهی
		۴۷۰.۰۴	۲۷۴	۲۳۳۰۳۰.۹۹	کل
۰.۰۰۰۵	۱۳.۵۳	۷۳۷.۸۵	۱	۷۳۷.۸۵	پیش‌آزمون
					دانش‌آموزان پسر
					بین‌گروهی
					درون‌گروهی
۰.۹۹۱	۰.۰۰۰	۰.۰۰۸	۱	۰.۰۰۸	کاهش گرایش منفعل
۰.۷۳۰	۰.۱۱۹	۲.۹۳	۱	۲.۹۳	پیش‌آزمون
					دانش‌آموزان دختر
					بین‌گروهی
		۵۶۹.۱۲	۱	۵۶۹.۱۲	کاهش گرایش منفعل
۰.۰۰۰	۲۴.۶۳	۱۴۷	۱	۳۶۲۰.۷۶	پیش‌آزمون
					دانش‌آموزان دختر
					بین‌گروهی
		۱۴۸۶۶۵.۲۶	۱۵۰	۱۴۸۶۶۵.۲۶	کل

جدول ۴ میانگین‌های تعدیل شده را نشان می‌دهد. عبارتی میانگین‌های تعدیل شده میانگین‌های بدون وجود عوامل ناشی از وجود خطای تصادفی را نشان می‌دهد.

جدول ۴: مقایسه میانگین و خطای استاندارد نمرات گروه آزمایش و کنترل در متغیر بر کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان

گروه	میانگین	خطای استاندارد
کل دانش‌آموزان	۷۲.۴۰	۱.۲۲
آزمایش	۷۲.۴۰	۱.۲۲
کنترل	۶۸.۸۸	۱.۱۹
دانش‌آموزان پسر	۷۶.۲۸	۱.۳۱
آزمایش	۷۶.۲۸	۱.۳۱
کنترل	۷۹.۰۹	۲.۸۰
دانش‌آموزان دختر	۷۲.۴۰	۱.۲۲
آزمایش	۷۲.۴۰	۱.۲۲
کنترل	۶۸.۸۸	۱.۱۹

برای بررسی فرضیه سوم «آموزش مروج سلامت بر کاهش گرایش فعال به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان مقطع

دیبرستان استان قم موثر است» از تحلیل کواریانس استفاده شد.

نتایج حاصل از اجرای کواریانس در جدول ۵ آورده شده است و همانطور که مشهود است تحلیل کواریانس برای مقیاس کاهش گرایش فعال به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان دیبرستان قم برابر است با  $(P = . ., F = .)$  و چون سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ است لذا می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش مروج سلامت بر کاهش گرایش فعال به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان مقطع دیبرستان استان قم موثر بوده است.

تحلیل کواریانس در مقیاس کاهش گرایش فعال به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان پسر مقطع دیبرستان با  $(P = . ., F = .)$  و چون سطح معناداری بیشتر از ۰.۰۵ است لذا می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش مروج سلامت بر کاهش گرایش فعال به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان پسر مقطع دیبرستان استان قم موثر نبوده است.

تحلیل کواریانس در مقیاس کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان دیبرستان برابر است با  $(P = . ., F = .)$  و چون سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ است لذا می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش مروج سلامت بر کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان مقطع دیبرستان استان قم موثر بوده است.



جدول ۵: داده‌های حاصل از اجرای تحلیل کواریانس در متغیر کاهش گرایش فعال به سوء مصرف مواد

معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	تحلیل کواریانس
۰.۰۰۰۵	۱۵.۳۵	۱۱۳۷.۵۱	۱	۱۱۳۷.۵۱	پیش آزمون
۰.۰۱	۷.۰۱۲	۵۱۹.۶۰	۱	۵۱۹.۶۰	بین گروهی
		۷۴.۱۰	۷۷	۵۷۰۵.۷۶	درون گروهی
			۸۰	۱۹۸۸۴۹.۰۰	کل
۰.۰۰۳	۹.۷۹	۶۰۴.۸۷	۱	۶۰۴.۸۷	پیش آزمون
۰.۶۶۲	۰.۱۹۴	۱۱.۹۸	۱	۱۱.۹۸	بین گروهی
		۶۱.۷۶	۴۵	۲۷۷۹.۵۱	درون گروهی
			۴۸	۱۲۵۵۷۱.۰۰	کل
۰.۶۰۹	۰.۲۶۷	۲۲.۹۰	۱	۲۲.۹۰	پیش آزمون
۰.۰۳۱	۵.۱۲	۴۳۹.۶۸	۱	۴۳۹.۶۸	بین گروهی
		۸۵.۷۳	۲۹	۲۴۸۶.۲۹	درون گروهی
			۳۲	۷۳۲۷۸.۰۰	کل

جدول ۶ میانگین‌های تعدیل شده را نشان می‌دهد بعبارتی میانگین‌های تعدیل شده میانگین‌های بدون وجود عوامل ناشی از وجود خطای تصادفی را نشان می‌دهد.

جدول ۶: مقایسه میانگین و خطای استاندارد نمرات گروه آزمایش و کنترل در متغیر بر کاهش گرایش فعال به سوء مصرف مواد در دانش آموزان

گروه	میانگین	خطای استاندارد
کل دانش آموزان	۷۲.۴۰	۱.۲۲
آزمایش	۷۲.۴۰	۱.۲۲
کنترل	۶۸.۸۸	۱.۱۹
دانش آموزان پسر	۷۲.۷۹	۱.۲۳
آزمایش	۷۲.۷۹	۱.۲۳
کنترل	۷۲.۲۴	۰.۹۲
دانش آموزان دختر	۷۲.۴۰	۱.۲۲
آزمایش	۷۲.۴۰	۱.۲۲
کنترل	۶۸.۸۸	۱.۱۹

برای بررسی فرضیه چهارم «آموزش مروج سلامت در ایجاد نگرش منفی دانش آموزان نسبت به مصرف مواد موثر است» از تحلیل کواریانس استفاده شد.

نتایج حاصل از اجرای کواریانس در جدول ۷ آورده شده است و همانطور که مشهود است تحلیل کواریانس در مقیاس ایجاد نگرش منفی نسبت به مصرف مواد در دانش آموزان دبیرستان برابر است با ( $F = .$  ,  $P = .$ ) و چون سطح معناداری بیشتر از ۰.۰۵ است لذا می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش مروج سلامت بر در ایجاد نگرش منفی دانش آموزان نسبت به مصرف مواد در دانش آموزان مقطع دبیرستان استان قم موثر بوده است.

تحلیل کواریانس در مقیاس ایجاد نگرش منفی نسبت به مصرف مواد در دانش آموزان پسر دبیرستان برابر است با ( $F = .$  ,  $P = .$ ) و چون سطح معناداری بیشتر از ۰.۰۵ است لذا می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش مروج سلامت بر ایجاد نگرش منفی دانش آموزان پسر نسبت به مصرف مواد دانش آموزان مقطع دبیرستان استان قم موثر نبوده است.

تحلیل کواریانس در مقیاس ایجاد نگرش منفی نسبت به مصرف مواد در دانش آموزان دختر دبیرستان برابر است با ( $F = .$  ,  $P = .$ ) و چون سطح معناداری بیشتر از ۰.۰۵ است لذا می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش مروج سلامت بر ایجاد نگرش منفی دانش آموزان دختر نسبت به مصرف مواد مقطع دبیرستان استان قم موثر بوده است.

جدول ۷: داده‌های حاصل از اجرای تحلیل کواریانس در متغیر ایجاد نگرش منفی در دانش‌آموزان نسبت به مصرف مواد

معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	تحلیل کواریانس
۰.۰۰۴	۸.۴۴	۱۰۲۵.۶۴	۱	۱۰۲۵.۶۴	پیش‌آزمون
۰.۰۰۲۳	۶.۲۳	۱۸۷.۰۳	۱	۱۸۷.۰۳	بین‌گروهی
		۱۲۱.۵۲	۳۵۴	۴۳۰.۲۰	درون‌گروهی
			۳۵۷	۱۸۹۳۴۹۶.۷۲	کل
۰.۴۹۷	۰.۴۶۴	۹۸.۲۶	۱	۹۸.۲۶	پیش‌آزمون
۰.۲۲۳	۱.۴۹	۳۱۵.۹۷	۱	۳۱۵.۹۷	بین‌گروهی
		۲۱۱.۶۷	۱۷۲	۳۶۴۰۷.۲۲	درون‌گروهی
			۱۷۵	۹۵۳۹۴۸.۵۵	کل
۰.۰۰۰۵	۴۳.۰۴	۱۴۲۵.۵۳	۱	۱۴۲۵.۵۳	پیش‌آزمون
۰.۰۳۸	۲۱.۳۶	۰.۴۸۱	۱	۰.۴۸۱	بین‌گروهی
		۳۳.۱۲	۱۷۹	۵۹۲۸.۵۹	درون‌گروهی
			۱۸۲	۹۳۹۵۴۸.۱۷	کل

جدول ۸ میانگین‌های تعدیل شده را نشان می‌دهد. عبارتی میانگین‌های تعدیل شده میانگین‌های بدون وجود عوامل ناشی از وجود خطای تصادفی را نشان می‌دهد.

جدول ۸: مقایسه میانگین و خطای استاندارد نمرات گروه آزمایش و کنترل در متغیر ایجاد نگرش منفی در دانش‌آموزان نسبت به مصرف مواد

گروه	میانگین	خطای استاندارد
کل دانش‌آموزان	۶۷.۰۹	۰.۱۵۶
آزمایش	۶۷.۳۳	۰.۱۷۵
کنترل	۶۷.۲۰	۰.۲۱۹
دانش‌آموزان پسر	۶۶.۸۳	۰.۴۰۱
آزمایش	۶۶.۸۷	۰.۲۲۲
کنترل	۶۷.۵۱	۰.۱۶۶

## بحث و نتیجه‌گیری

**فرض اول:** نتایج پژوهش حاضر نشان داد آموزش برنامه مروج سلامت در کاهش گرایش به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان مقطع دبیرستان موثر بوده است. بررسی جداگانه این آموزش بر روی دانش‌آموزان دختر و پسر نشان داد آموزش برنامه مروج سلامت در کاهش گرایش کلی به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان دختر موثر بوده است ولی در دانش‌آموزان پسر موثر نبوده است. آنچه در خصوص نگرش و آمادگی گرایش به سوء مصرف مواد مطرح می‌گردد و توسط آزمون‌های استاندارد شده سنجیده می‌شود، علی‌الخصوص در گرایش فعال به سوء مصرف مواد، مستقیماً مربوط به اثرات داروها و تغییر در آن‌ها مستلزم دادن اطلاعاتی در خصوص مواد و عوارض آنان می‌باشد در حالی که در آموزش‌های اعمال شده مهارت‌های زندگی، آموزشی در خصوص معرفی مواد و عوارض آنها و ارتباط آن با مساله‌گشایی مطرح نمی‌گردد و بنابر این انتظار می‌رود این مساله در عدم کاهش گرایش به سوء مصرف مواد در پسران موثر باشد.

نکته قابل توجه دیگر در توجیه نتیجه به دست آمده اینکه، به عقیده محققین (بر اساس گزارش مدرسین) میزان توجه و دقت و همچنین تلاش دانش‌آموزان دختر در مقایسه با دانش‌آموزان پسر در فراگیری مهارت‌ها و اجرای آنها بیشتر بوده و دانش‌آموزان دختر با

جدیدت بیشتری برنامه‌های کلاسی را دنبال کرده‌اند. این مساله در اثر بخشی موفق تر آموزش برنامه مروج سلامت در دانش آموزان دختر نسبت به دانش آموزان پسر موثر بوده است.

**فرض دوم:** نتایج پژوهش در فرضیه دوم حاضر نشان داد که آموزش برنامه مروج سلامت در کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد در دانش آموزان مقطع دبیرستان موثر بوده است. بررسی جداگانه این آموزش بر روی دانش آموزان دختر و پسر نشان داد آموزش برنامه مروج سلامت در کاهش گرایش منفعل به سوء مصرف مواد در دانش آموزان دختر موثر بوده است ولی در دانش آموزان پسر موثر نبوده است.

پژوهش‌های پیشین ارتباط بین سلامت روان و گرایش به سوء مصرف مواد را به عنوان یک عامل موثر در گرایش به اعتیاد مطرح نموده‌اند. به این ترتیب که افزایش سلامت روان با کاهش گرایش به سوء مصرف مواد همراه بوده است. از طرفی، پژوهش‌ها نشان داده‌اند آموزش مهارت‌های زندگی موجب افزایش سلامت روان در دانش آموزان می‌شود (امیریان و زنگنه، ۱۳۸۷). مبنی بر این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت آموزش مهارت‌های زندگی با تاثیری که بر افزایش سلامت روان دارد می‌تواند در کاهش گرایش به اعتیاد به صورت غیر مستقیم تاثیر گذار باشد.

البته همانطور که ذکر گردید، آموزش برنامه مروج سلامت شامل برنامه‌هایی جهت افزایش سلامت روان است و گرایش منفعل به سوء مصرف مواد نیز کاملا با سلامت روان مرتبط بوده و مهارت‌هایی که موجب افزایش سلامت روان می‌شوند، مستقیما گرایش منفعل به سوء مصرف را کاهش می‌دهند.

نتایج این یافته با یافته‌های پژوهش‌های پیشین مانند بوتوین (۱۹۷۹)، پری و کلدر<sup>۷</sup> (۱۹۹۲)، گلین<sup>۸</sup> (۱۹۸۹). (تلادر<sup>۹</sup> و همکاران، ۱۹۸۴، کاپلان، ۱۹۹۲) در دانش آموزان پسر همسو نبوده است. پژوهش‌های پیشین نشان داد آموزش مهارت‌های زندگی با توجه به نقشی که در کاهش استرس، کاهش فشار روانی دارد و همچنین با توجه به اثرات مثبتی که بر آموزش مساله گشایی دارد، در کاهش گرایش منفعل به مواد موثر است.

در برنامه آموزش برنامه مروج سلامت با توجه به اینکه بخشی از آموزش‌ها به آموزش مهارت‌های ارتباطی، مهارت مقابله با فشار روانی، مهارت حل مساله و مساله گشایی اختصاص داده شده است، به نظر می‌رسد آموزش این مهارت‌ها توانسته تا حدودی نگرش دانش آموزان را به برخی موقعیت‌ها تغییر داده و موجب کاهش آمادگی گرایش به اعتیاد در این زمینه باشد.

مهارت‌های زندگی بر شیوه‌های آموزش شناختی- رفتاری متمرکزند. به این ترتیب که همزمان که فراگیران این دوره اطلاعاتی در مورد افکار ناکارآمد و باورهای غیر منطقی دریافت می‌کنند و به آنها کمک می‌شود افکار ناکارآمد خود را بشناسند و مورد ارزیابی قرار داده، به چالش بکشند و طی جلسات برگزار شده اصلاح نمایند، همزمان فرصت‌هایی عملی نیز جهت تمرین مهارت‌های کسب شده فراهم می‌کنند. رضایی (۱۳۸۰) در یک بررسی نشان داد آموزش‌های شناختی- رفتاری که در یک برنامه متشکل از ۱- اطلاعاتی در مورد مصرف مواد ۲- تصمیم گیری ۳- تاثیر رسانه‌ها ۴- رفتار خود هدایتی ۵- مدیریت اضطراب ۶- مهارت‌های ارتباطی ۷- مهارت‌های اجتماعی ۸- جرات ورزی ارائه شد، نشان داد این آموزش‌ها در حد قابل قبولی موجب کاهش گرایش به سوء مصرف مواد شده بود. پیگیری آموزش‌ها بعد سه سال نشان داد آموزش‌ها بعد از سه سال نیز موجب پایداری آموزش‌ها و کاهش گرایش به سوء مصرف مواد شده بود.

**فرض سوم:** نتایج این فرضیه نشان داد آموزش برنامه مروج سلامت در کاهش گرایش فعال به سوء مصرف مواد دانش‌آموزان مقطع متوسطه موثر بوده است. بررسی جداگانه این آموزش بر روی دانش‌آموزان دختر و پسر نشان داد آموزش برنامه مروج سلامت در کاهش گرایش فعال به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان دختر موثر بوده است ولی در دانش‌آموزان پسر موثر نبوده است. البته همانطور که ذکر شد در آموزش برنامه مروج سلامت، هیچگونه آموزش مستقیمی جهت کاهش گرایش فعال به مواد مخدر انجام نشد و تاثیر مشاهده شده، نتیجه اثر بخشی مهارت‌هایی مانند مهارت حل مساله، مهارت برقراری ارتباط و مهارت مدیریت هیجانات بوده است.

البته به نظر می‌رسد در دانش‌آموزان پسر، محتوای آموزش‌هایی که به دانش‌آموزان داده شده توجیه کننده این عدم اثربخشی باشد. در پژوهش بوتوین و کانتور (۲۰۰۱)، ترکیبی از آموزش مهارت‌های ارتباطی، حل مساله و مدیریت هیجانات در کنار معرفی مواد مختلف و اثر آنها به دانش‌آموزان تحت آموزش ارائه گردید. این برنامه موجب شد گرایش آنان به مصرف مواد مخدر ر حد قابل ملاحظه ای کاهش یابد.

همچنین در یک برنامه آموزشی دیگر (بوتوین و گریفین، ۲۰۰۴)، نتایج نشان داد مصرف سیگار در بین افرادی که تحت آموزش برنامه مهارت‌های زندگی توام با معرفی مواد و عوارض آنها قرار گرفته بودند، تا ۵۰ درصد کاهش یافت. پژوهش پرهیزکار (۱۳۷۹) نشان داد که بیشتر معتادان به مواد مخدر در سنین جوانی می‌باشند. از طرف دیگر اطلاع نداشتن از زیانهای مواد مخدر موجب بالا رفتن خطر پذیری گرایش به مواد مخدر می‌شود. این مورد در پژوهش‌های نشان (۱۳۷۷) و رضایی زاده (۱۳۷۲) نیز تاکید شده است

این یافته با یافته‌های پژوهش‌های پیشین مانند بوتوین (۲۰۰۱) همسو می‌باشد. به عقیده وی، در شرایط استرس زا، مواد مخدر به عنوان یکی از گزینه‌های حل مساله مطرح بوده و موجب گرایش افراد به مواد می‌شود. آموزش مهارت حل مساله موجب می‌شود حتی اگر افراد هیچگونه آشنایی با عوارض مواد نیز نداشته باشند، در کنار مواد مخدر به راه حل‌های منطقی دیگر نیز فکر کنند. این مساله به طور غیر مستقیم مصرف مواد مخدر را در افراد کاهش می‌دهد.

در پژوهش حاضر نیز با توجه به اینکه هیچگونه آموزش مستقیمی در زمینه معرفی مواد مخدر و عوارض آنها صورت نگرفته است، به نظر می‌رسد آموزش‌هایی مانند آموزش مهارت حل مساله و کاهش استرس در کاهش گرایش فعال به مواد موثر بوده‌اند. همچنین، عدم وجود برنامه ای که در برگیرنده معرفی مواد و عوارض آنها باشد موجب عدم کاهش گرایش فعال در دانش‌آموزان پسر گردیده است.

نگرش را ارزیابی موضوع تفکر می‌خوانیم. در واقع نگرش را مفاهیم ماند گاری می‌دانند که در حافظه ذخیره می‌شود و بلافاصله می‌توان آن را فراخواند و بازیابی کرد (آلپورت، ۱۹۳۵؛ پتی، پریستر و گنز، ۱۹۹۴). طبق نظریه تعاملی نگرش عناصر نگرش به صورت تعاملی بریکدیگر تاثیر می‌گذارند و موجب بروز رفتار در فرد می‌گردند (سیرز، ۱۹۹۱). نگرش نسبت به اعتیاد هم دارای سه عنصر شناختی، رفتاری و عاطفی می‌باشد که به صورت سه جانبه و تعاملی بر هم تاثیر می‌گذارند. هر عنصر می‌تواند جنبه منفی یا مثبت داشته باشد، بدین معنی که مثلا از لحاظ شناختی فرد می‌تواند نگرش مثبت و یا نگرش منفی به موضوع، شیء یا شخص خاص داشته باشد.

**فرض چهارم:** نتایج حاصل از این پژوهش در مورد این فرضیه نشان می‌دهد که برنامه آموزش مدارس مروج سلامت در مورد تقویت نگرش منفی نسبت به مواد مخدر در دانش‌آموزان موثر است، ولی در بررسی‌های جداگانه بر روی دختران و پسران نتایج نشان

داد که این برنامه در ایجاد نگرش منفی نسبت به مواد مخدر در دانش آموزان دختر موثر بوده است ولی در دانش آموزان پسر موثر نبوده است.

در پژوهشی که توسط سهرابی و همکاران (۱۳۷۸) با عنوان "اثربخشی آموزشی ساخت رفتارهای سالم در نگرش دانشجویان نسبت به سوء مصرف مواد" انجام شد، نتایج نشان داد که برنامه آموزش ساخت رفتارهای سالم موجب تقویت نگرش منفی نسبت به سوء مصرف مواد می شود. همچنین در پژوهشی که توسط رحمتی (۱۳۸۳) با عنوان "آموزش مهارت های مقابله ای در تغییر نگرش نسبت به سوء مصرف مواد در دانش آموزان کرمان" انجام شد نیز نتایج مشابهی به دست آمد و اثربخشی برنامه آموزش مهارت های مقابله و قاطعیت ورزی در زمینه پیشگیری از اعتیاد به اثبات رسید.

عبدالله پور و دره کردی در تحقیقی با عنوان «اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان شهر سیرجان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر» در سال ۱۳۸۹، به بررسی اثربخشی این نوع آموزش بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به اعتیاد پرداختند. تعداد ۴۰ نفر از دانش آموزان یک دبیرستان به عنوان نمونه انتخاب و به دو گروه کنترل و آزمایش تقسیم شدند. گروه آزمایش به مدت یک ماه در ۸ جلسه مهارت های زندگی آموزش داده شد، اما بر گروه کنترل هیچ تغییری اعمال نشد. در پایان هر دو گروه توسط فرم ب مقیاس نگرش سنج نسبت به اعتیاد پس از آزمون شدند. نتایج تحلیل نشان داد که آموزش مهارت های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد موثر بوده است.

همچنین در پژوهشی دیگر با عنوان «اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر تغییر نگرش به منظور پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر در میان دانش آموزان» که توسط حجت خواه و دیگران در سال ۱۳۸۹ انجام گرفت، محققان به بررسی هدف تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به مواد مخدر پرداختند. یافته ها نشان داد بین میانگین های دو گروه آزمایش و کنترل در متغیر گرایش به مواد مخدر تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر نگرش آزمودنی هایی که مورد آموزش مهارت های زندگی قرار گرفته اند نسبت به گروهی که مورد آموزش قرار نگرفته اند، کاهش محسوسی داشته است. که نتایج این پژوهش ها با پژوهش حاضر غیر همسو می باشد.

در برنامه های پیشگیری و یا ترک اعتیاد، باید به عوامل روانشناختی نظیر تمایلات درونی، شخصیت، طرز تلقی ها، باورها، نگرش ها، ارزش ها، احساس کمتری و کمبودهای عاطفی و روانی فرد توجه نمود. ضرورت توجه به امور فرهنگی و ابعاد فکری و روانی، تقویت اراده و آموزش خویشتن داری برای تغییر نگرش افراد به خوبی احساس می گردد.

بر اساس یافته های این پژوهش، به نظر می رسد پژوهشی در زمینه نیاز سنجی دانش آموزان دختر و پسر در زمینه آموزش برنامه مروج سلامت اجرا گردد و جهت اثر گذاری بیشتر برنامه مروج سلامت، بهتر است کیفیت مطالب جهت دانش آموزان پسر مناسب سازی شود. همچنین در محتوای آموزشی این برنامه در صورتیکه با هدف کاهش گرایش به اعتیاد اجرا شود، برنامه هایی از معرفی مواد مخدر و عوارض آنها گنجانده شود تا بتواند در کاهش اعتیاد فعال نیز موثر واقع شود و مجددا در پژوهشی جدا گانه تاثیر آموزش این بسته بر کاهش گرایش به اعتیاد بررسی شود.

### پیشنهادات

پیشنهاد می گردد بر اساس یافته های پژوهش حاضر و با استفاده از منابع مطالعاتی، پژوهشگران بسته آموزشی مخصوص پیشگیری از اعتیاد تهیه و استفاده نمایند. آموزش برنامه مروج سلامت یک برنامه ارتقاء سلامت می باشد که هر چند آموزه های آن جهت افزایش سلامت روان و تاثیر غیر مستقیم مناسب می باشد، ولی لازم است اطلاعاتی در خصوص مواد مخدر، باورهای نادرست موجود در جامعه در خصوص مواد مخدر و عوارض مواد نیز در بسته پیشگیری گنجانده شود تا دانش آموزان مصرف مواد رابه عنوان یک راه

حل مشکل تلقی نکنند. ایجاد کارگاه‌های آموزشی برای مربیان مدارس به خصوص برای مربیان مدارس پسرانه در این زمینه نیز انجام پذیرد.

### منابع

آقابابایی، عزیزالله؛ جلالی، داریوش؛ سعیدزاده، حمیدرضا؛ باقری، سهیلا (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی چهار روش پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر بر نگرش و عزت نفس دانش‌آموزان مجتمع‌های فرهنگی، تربیتی و خوابگاهی کمیته امداد خمینی. *مجله اعتیاد پژوهی*، ۶(۲۱)، ۳۵-۴۶.

بحرینی بروجنی، مجید؛ قائد امینی هارونی، غلامرضا؛ سعیدزاده، حمیدرضا؛ پسری بروجنی، کبری. (۱۳۹۳). بررسی اثر بخشی چهار روش آموزش پیشگیری از سوء مصرف مواد بر تغییر نگرش نسبت به اعتیاد و مواد مخدر در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه. *مجله علوم پزشکی شهرکرد*، ۱۶(۲)، ۴۳-۵۱.

خلیلی، افسر؛ سهرابی، فرامرز؛ راد منش، محمدحسین؛ افخمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر. *مجله اعتیاد پژوهی*، ۵(۱۷)، ۹۱-۱۰۶.

رحمتی، عباس (۱۳۸۳). آموزش مهارت‌های مقابله‌ای در تغییر نگرش نسبت به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان کرمان. *پایان‌نامه دکترا*. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

رفیعی مهر، شهرام؛ احمدزاده اصل، مسعود. (۱۳۸۴). راهنمای آموزش سلامت در فرهنگسراها. اداره ارتباطات و آموزش سلامت.

زرگر، یداله؛ نجاریان، بهمن؛ نعیمی، عبدالزهرا (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی (هیجان‌خواهی، ابراز وجود، سرسختی روان‌شناختی)، نگرش مذهبی و رضایت زناشویی با آمادگی اعتیاد به مواد مخدر در کارکنان یک شرکت صنعتی در اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۵(۱)، ۹۹-۱۲۰.

دلاور، علی (۱۳۷۶). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: موسسه نشر ویرایش.

سهرابی، فرامرز (۱۳۸۷). اثر بخشی برنامه آموزش ساخت رفتارهای سالم در نگرش دانشجویان نسبت به سوء مصرف مواد. *مجله علوم رفتاری*، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، دوره ۲، شماره ۳.

سهرابی، فرامرز، ترقی‌جاه، صدیقه، اکبری زردخانه، سعید، و وقار، معصومه (۱۳۸۸). شیوع شناسی مصرف مواد در بین دانشجویان دانشگاه‌ها. دفتر مرکزی مشاوره وزارت علوم با همکاری دانشگاه‌های تهران، رازی کرمانشاه، صنعتی اصفهان، باهنر کرمان و فردوسی مشهد.

قنبری طلب، محمد؛ قنبری، علی؛ طهماسبی کهیانی، فاطمه؛ نادری لردجانی، مریم (۱۳۹۲). رابطه موثر هیجانی با استعداد اعتیاد دانش‌آموزان پسر دوره پیش دانشگاهی شهرستان شهرکرد. *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، ۴۵(۳)، ۳۳-۳۹.

کردمیرزا، عزت‌اله (۱۳۷۹). *هنجاریابی مقیاس APS بر روی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

کلک‌زرین، حمیدرضا (۱۳۸۹). تعیین اثربخشی برنامه‌های مولفه‌های تاب‌آوری در تقویت نگرش منفی نسبت به مصرف مواد مخدر و کاهش سطح اعتیاد پذیری در دانش‌آموزان مقطع دبیرستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

مشکی، مهدی؛ اصلی‌نژاد، محمدعلی. (۱۳۹۲). آموزش مهارت‌های زندگی و رفتارهای پیشگیری‌کننده از سوء مصرف مواد در دانشجویان. *مجله علوم پزشکی فسا*، ۳(۳)، ۲۰۱-۱۹۴.

Aslinejhad M A, Alemi A, Tajaddodi M. ( ). Life Skills. st ed Mashhad: Ney Negar Publication. - . [in Persian]

Bohler, Anneke. Schorder and Silberesen ( ). *The role of life skills in substance abuse prevention : a meditation analysis*. Health education research, vol. , no , pp: - .

Botvin GJ, Griffin KW. ( ). Life Skill Training empirical finding and future direction. *The Journal of Primary Preevention* ( ): - .

- Botvin, G. J., Kantor, L. W. ( ). *Preventing alcohol and tobacco use through Life. skill training.* journal of alcohol research & health. ( ): - .
- Daemi H R, Sohrabi F, Moghimi barforoosh S F. ( ). Investigation of The Effect of Assertive skills Training on Attitude towards Drug Abuse in Tehran and Allame Tabatabaee University students. Quarterly Journal of Drug Abuse. ( ): - .
- Jahromi L, Mokri A, Ekhtyari H. ( ). Cardiovascular Complications of Opioid Abuse. Journal of Addiction. ( ): - .
- Inters KC, Fawkes T, Fahnhorst T, Botzet A, August G. ( ). A synthesis review of exemplary drug abuse prevention programs in the United States. J Subs Abuse Treat : - .
- United nations OFFice For Drug Control and Crime Prevention (unodc) ( ). *Global Illicit Drug Trends*, ( ): - .
- McLellan AT, McKay JR, Forman R, Cacciola J, Kemp J. Reconsidering the evaluation of addiction treatment: from retrospective follow-up to concurrent recovery monitoring. Addiction. : ( ): - .
- Melchior, M., Chastang, J., & Goldberg, P. ( ). *High prevalence rates of tobacco, alcohol and drug use in adolescents and young adults in France: results from the GAZAL youth study.* Addictive behavior, , - .
- National Institute of drug abuse (NIDA). ( ). *Science-based prevention programs and principles.* www. Drugabuse.Gov.
- Purchenary M, Golzari M. ( ). Effective life skills education to change attitudes on male students in high schools Sirjan to drug abuse. Research on Addiction. ; ( ): . [In Persian]
- Razzaghi EM, Movaghar AR, Green TC, Khoshnood K. ( ). Profiles of risk: A qualitative study of injecting drug users in Tehran, Iran. Harm Reduct J. : - .